

آخر خط

فسمت اول

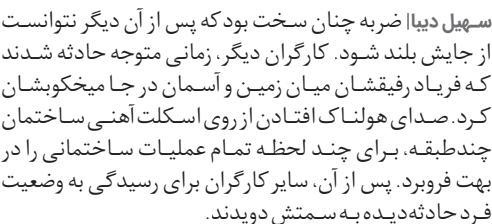
شنبه
۱۴۰۲ اردیبهشت
۰۴ شوال
شماره ۳۹۲۴

3

صورت زن خیس اشک بود و کبودی زیر چشمش سرمه‌ای تیره شده بود. زن گفت: «من آزادی ندارم... آزادی ندارم، افشین شده‌های زن راه‌ها کرد، من‌ها چا خشکش زده بود، سیاست ایستاده بود و بهر گریه زن نگاه می‌کرد. داد، داد، آزادی نداری؟ بهر گریه بگی خنده‌ش می‌گیره، مشید خاتم تازه پادشاه افتاده توئی زندگی‌ش آزادی نداده...! احق جان تو که هر لباسی دلت بخواد و داری می‌پوشی! هر چا دلت بخواد داری می‌رسی، بهر روز مهمونی با دوستات، بهر روز مهمونی می‌مخلطی، این دلت دارم به‌پار با دوستام برم سفر و تو نباشی، باشه خانم بفرما. اینم کارت هر چند دلت خواست خرج کن، آی من امروز هوس کردم تنهایی برم سفر، می‌خوام عین زناى مستقل باشم، باشه خانم بفرما بزرگ‌موشو سفر تنهایی، بعد از همه اینا حالا اینجا بشین برای آزادی‌ت عزا بگیر، آی من دست من اگر نمک داشت این جورى نمی‌نشستی اینجا منو بافتن چپزونی، آی من داشت گریه می‌کرد، افشین به نفس نفس افتاده بود، گفت: «هه! هه! آزادی!، دهانش راکع کرد و با ادا گفت: «من آزادی ندارم، زن گفت: «من از همه کارت خبر دارم...! اگه برم دکتر برای وقار نگاه می‌کردی چی تجویز می‌کنه؟، افشین با چشم‌های زرق زرقه‌ای می‌کرد، گفت: «چیه این فیلم جدید، زن از جایش بلند شد و یک ششیده‌ی در پوست افشین داد، زد: «بگو برای کارایی که تو کردی چی تجویز می‌کنه؟ هه!؟»

99. حادش

سقوط از ساختمان نیمه کاره



مهدی قرآنی

مهدی قرآنی

زارش

اما عمر این دوستی مجرمانه شان در چهارمین روز اردیبهشت ماه به پایان رسید. مأموران دست آن‌ها را خوانده و در یک عملیات ضربتی دماغ دو جوان قمه به دست رابه خاک مالیدند. جوانانی که برای خود لقب «عقرب» را انتخاب کرده بودند.

یکی شان مدعی بود که به پیشنهاد دوستش وارد این کار شده و دیگری نیز ادعای کرد با تهدید دیگر متهم پا به این میدان بزهکاری گذاشته است. ولی آنچه در این پرونده انکارناپذیر بود، همکاری هر دو برای ارتکاب زورگیری های خشن در خیابان های مشهد بود.

سارق بیست و چهار ساله نیز اعتراف کرد: «در خیابان‌ها پرسه می‌زدیم و بعد از زن‌سازی می‌مرد. به سراغ می‌رفتم و بعد از آن‌ها می‌دزدیدیم. قه‌اندازه‌ا را می‌ترساندیم و سپس گوسفند را می‌گرفتیم. برخی اوقات هم به سراغ موتورسواران می‌رفتم. علاوه بر زورگیری، موتورسیکلت، گوسفند و گاو همراهِ و پهل نقدش را سارقان می‌گرفتیم.»

ما روز گذشته پرورنده این سارقان خشن توسط سامورائ کلاتری کوی ایستاده شد، این افراد راهی زندان شدند و سرفرمانده انتظامی مشهد آنچه در عملیات گذشته استگبری این سارقان قه کش اتفاق افتاده استگبری را این گونه شرح داد: «عصر امروز یکی از تیم های نامحسوس موتورسواری کوی ایستاده شد و در محدوده خیابان کوشش بدو جوان را متوقف کرد و در حالی که سروروست خود را پوشانده بودند، مشکوک شدند و این افراد را تحت نظر قرار دادند.»

ماویر متهمان پرونده و کشفیات اموال مسروقه از مخفیگاه سارقان

ضرب و جرح شهروند مشهدی با قمه
سهرنگ ننگهان ادامه داد: سابقان که هر روز گذشته در زمان روزگیری یک دستگاه موتورسیکلت از مردی جوان زمانی که با مقاومت او روبه‌رو می‌شوند، با ضربات قمه این شخص را زخمی کرده و ضمن سرقت موتورسیکلت مال باخته، تلفن همراهش را هم سرقت می‌کنند. شادی برای ما دواوارا همی‌بارسان شد است و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

خورده و درست زمانی که متهمان قصد زورگیری کردی گوستی تلف همراه این شهروند مشهدی را داشتند. مأموران سر رسیدند و با راه محاصره کردند. دو جوان زورگیر اما قصد تسلیم شدن نداشتند و به هر طریق ممکن می خواستند از چنگ قانون بگریزند که در این لحظه تیغ برهنه همه را به سمت صاحب قانون گرفته و به سوی آن حمله ور شدند. متهمان غافل از اینکه به زودی در برابر قانون به زانو درمی آیند به سمت سلطان قضایی بپوش برده که در آن لحظه خلع سلاح و زمین گیر شدند.

کشف جرم در بازرسی بدنی سارقان

این مقام ارشد انتظامی مشهد بیان کرد: مأموران ما در بازرسی بدنی از متهمان، ۷ دستگاه تلغن همراه مسروقه، ۲۰ میلیون ریال وجه نقد به صورت بیخونه اودا ده هزار تومانی و یک قبضه قسه شیوۀ اودا را کشف و ضبط کردند. آن‌ها قسم از اینکه به کلانتری کویر پلیس منتقل شدند در جلسه بازرجویی ابتدا حاضر به همکاری

خبر

ابوعطا: مرد چهل و شش ساله انگار حوصله نداشته است مسافت بیشتری برود تا به پل عابر پیاده برسد. از تصمیمی برگزیده گرفته و نیمه‌شب از ناگهان وسط بزرگراه ایستاده و به آن سوی خیابان برود؛ اما آنچه نباید رخ می‌دهد او نه تنها یک بار بلکه در یک لحظه دوبار تصادف می‌کند و گویی دوبار طعم مرگ را می‌چشد. ماجرای تصادف هولناک باامداد روز گذشته در بزرگراه شهید بهرایی. عوامل امدادی و کارشناسان پلیس راهور به محل حادثه بین پل و خیابان رسات در چند دقیقه می‌رسند. بررسی‌های اولیه نشان داد که فردی هنگام عبور از عرض بزرگراه با یک خودرو پراید که سرعت زیادی داشته است برخورد کرده و به وسط بزرگراه افتاب شده است. در ادامه نیز یک پرنسید دیگر دوباراً سعی می‌کند با او برخورد می‌کند. تکه پیمانه‌ها، زرناس با حضور در محل، مصدوم را به بیمارستان منتقل می‌کنند. اما او در میانه راه به علت شدت

خبر

مصلحان و اوبلا بعد از افتادن سطل سنگین خراب به عمق چاه، خبری از متنی نبود. او هیچ و کاشی به افرادی که او را صدا می‌زدند نداشت. همین موضوع نشان داد حادثه‌ای برای رایش رخ داده و قدرت تکلمش را گرفته است. دقایقی بعد باورد فردی دیگر درون چاه، مشخص شد که سطل به طرز دلخراشی به سر مقتی می‌خساند و برخورد کرده و سطل را شکافته است و این قدرت بیرون آمدن از چاه اندر...

بررسی های اولیه باتوجه به اظهارات شاهدان نشان داد که مقنی میان سالی برای حفر چاه به عمق صدمتری چاه فرورفته است و در میانه روز ناگهان یک سطل خاک درون چاه سقوط و به سر مقنی

[illegible]